

گزارش تاریخی

خبرنگاری که به دنبال مستعمره کردن ایران بود!



جرج ناتانیل کِرزَن، از جمله سیاستمداران و مستشرقانی است که تا مقام وزارت خارجه انگلستان نیز ارتقا پیدا کرد. به گزارش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، براساس اسناد تاریخی، وی نقشی اساسی در وزارت خارجه انگلستان، در راستای پافشاری بر انعقاد قرارداد ۱۹۱۹، میان ایران و این کشور استعماری داشته‌است. فعالیت اصلی کرزن، تا پیش از به دست آوردن مناصب رسمی، ظاهراً جهانگردی بود و گاه، برای نشریات انگلیسی، مقاله و گزارش تهیه می‌کرد. جالب است که نخستین سفر کرزن به ایران هم، در کسوت خبرنگار بوده‌است. وی معتقد بود ایران، از جمله کشورهایی است که منابع اطلاعاتی انگلستان درباره آن بسیار اندک است و همین مسئله است که ضرورت سفر وی به ایران را از نگاه خودش، دو چندان می‌کند. کرزن پس از سیاحت بخشی از قفقاز، استانبول و مناطقی از ترکمنستان، از راه عشق آباد وارد خراسان شد و پس از گردش در چند شهر آن ایالت، به تهران رفت. وی توانست همراه نمایندگان سیاسی انگلیس در ایران، در یکی از آیین‌های سلام رسمی «ناصرالدین‌شاه قاجار در کاخ گلستان حضور یابد. او پس از شش ماه توقف در ایران، اطلاعات مد نظرش را گردآوری کرد و بعد از بازگشت به انگلیس و تکمیل اطلاعات از دیگر منابع، به تدوین معروف ترین اثر خود، یعنی «ایران و قضیه ایران»، پرداخت. کرزن، پله پله مراتب ترقی را در دستگاه سیاست خارجی انگلستان طی و دوباره به ایران سفر کرد. تفاوت سفر اول وی به ایران با سفر دومش، این بود که اگر وی بار اول صرفاً مشاهده‌گر و روایتگر وقایعی محسوب می‌شد که در ایران رخ می‌داد، این بار در مقام یک دیپلمات و سیاست‌گذار به ایران سفر می‌کرد. کرزن در این سفر و به منظور عملیاتی کردن اهداف استعمار انگلیس، تلاش کرد برای جلوگیری از نفوذ روس‌ها، حلقه‌ای در اطراف ایران تشکیل دهد و به همین دلیل، به سراغ شیوخ عرب حاشیه خلیج فارس نیز رفت و قرارداد‌های همکاری متعددی با آن‌ها امضا کرد و بسیاری از آن‌ها را تحت حمایت انگلیس قرار داد.

■ ماجرای قرارداد ۱۹۱۹

در میان سیاستمداران انگلیسی، شاید بتوان معدود افرادی را مانند کرزن یافت که معتقد بودند باید تحت هر شرایطی، سلطه کامل انگلستان بر ایران حفظ شود و حتی، گسترش یابد. نمونه این مسئله را می‌توان در وقایع پس از جنگ جهانی اول و وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه مشاهده کرد. پس از این اتفاقات، کرزن همچنان معتقد بود که انگلیس، نباید از ایران خارج شود؛ زیرا این مسئله ممکن است بار دیگر زمینه سلطه روس‌ها را بر ایران، با وجود شکست‌های اخیر آن‌ها، فراهم کند و البته، گروهی از سیاستمداران انگلیسی نیز، معتقد بودند حال که روس‌ها از ایران خارج شده‌اند، بهترین فرصت است تا هزینه‌های بریتانیا در ایران کاهش یابد و نیروهای انگلیسی از این کشور خارج شوند. اوج فعالیت استعماری کرزن در رابطه با ایران را، باید در قضیه قرارداد ۱۹۱۹ میان وثوق الدوله و سرپرستی کاکس جست‌وجو کرد. انتصاب لرد کرزن به عنوان وزیر خارجه انگلیس، در این موضوع نقش اساسی داشت. کرزن که پیش از این، به کمیته ایران، شعبه‌ای از کمیته وزارت خارجه انگلیس، دستور داده بود سیاست جدید انگلیس را در ایران، تدوین کند، اکنون فرصت ایده‌آلی به دست آورده بود تا سیاست مستعمره‌سازی ایران را عملی کند. این قرارداد، ایران را رسماً به مستعمره انگلیس تبدیل می‌کرد؛ اما مقاومت‌های شدید ایرانیان و نیز، مخالفت برخی سیاستمداران انگلیسی با اقدامات کرزن، تلاش او را در این زمینه، با شکست مواجه کرد. وی در سال ۱۹۲۵، بر اثر بیماری در گذشت.

خراسان

پذیرش غیر ضروری آگهی های تریک، تدریوگر

پذیرش تلفنی:

۳۷۰۰۹۹۹۹

پذیرش تلگرافی:

۰۹۱۵۴۷۱۱۳۰۰

تاریخ

جواد نوائیان رودسری – دوره صفویه، یکی از ادوار مهم تاریخ ایران است؛ دوره‌ای که سرزمین ما بار دیگر وحدت و پیوستگی کامل خود را به دست آورد و همه اقوام ایرانی، زیر یک پرچم قرار گرفتند. گسترش مذهب شیعه و روی آوردن عموم ایرانیان به این مذهب، زمینه اتحاد بیشتر دین و دولت را در عهد صفویه فراهم کرد. اقتداری که بی‌تردید پیامد این اتحاد بود، باعث شد که ایران پس از سال‌ها تحمل جنگ و جدال‌های مغولان، تیموریان و اقوام مهاجم، از زیر بار سنگین تفرقه، کمر راست کند و شکوفایی علمی و ادبی را از سر بگیرد. شاهان صفویه، عموماً، افرادی هنر دوست و هنرپرور بودند و با حمایت آن‌ها، رونقی دوباره در عرصه معماری، نقاشی، خط و دیگر صنایع مستظرفه پدید آمد. در میان شاهان صفوی، شاه عباس یکم به دلیل اقدامات گسترده‌اش در ایجاد نظم و ثبات در کشور و تاراندن دشمنان از سرحدات و رونق بخشیدن به اقتصاد و هنر، جایگاه ویژه‌ای دارد. دوران سلطنت او را باید نقطه عطفی در تاریخ کشور مان به حساب



نگاره‌ای از شاه‌عباس

آوریم. او موفق شد برای نخستین بار پس از آغاز حکومت دودمان صفوی، عثمانی‌ها را به پشت سرحدات ایران براند و شکستی سخت و قاطع بر ازبکان مهاجم وارد آورد. با این حال، مورخان درباره شخصیت و ویژگی‌های اخلاقی شاه عباس یکم، سخنان و روایات فراوان و البته متضادی نقل کرده‌اند؛ روایاتی که چهره‌ای دوپهل و اخلاقی دوگانه را از وی به نمایش می‌گذارَد. در این نوشتار بر آئیم تا مروری بر این ویژگی‌های اخلاقی داشته باشیم.

■ **واجد خشونت افسار گسیخته**

شاه عباس را باید یکی از خشن‌ترین پادشاهان تاریخ ایران بدانیم؛ او اصولاً با دشمن یا کسی که با وی سازگاری نداشت، اهل مماشات نبود. شاه عباس برای کشتن دشمنانش، از فیجیع‌ترین و هولناک‌ترین شیوه‌ها استفاده می‌کرد. روایت اعدام مخالفان با استفاده از آدمخواران که توسط راقم این سطور، پیش از این، در همین صفحه به عرض خوانندگان محترم رسید، شاهدی بر این مدعا است. او حتی در این زمینه با پدرش هم شوخی نداشت و سلطان محمدخدا بنده را، با وضعی اسفناک در قلعه‌ای محبوس کرد تا در گذشت. رفتار او در دوران سلطنتش، مصداق ضرب‌المثل «الملک عقیم» (سیاست پدر و مادر نمی‌شناسد!) بود. به قول اسکندر بیک ترکمان، در «عالم‌آرای عباسی»، «از بدو خلقت طینت آن جناب به جباری و قهاری سرشته شده، در سیاست (مجازات) مجرمان واجب‌السیاسه به فرمان قهرمان طبیعت عمل نموده، اصلاً در عقوبت گناهکاران و بی‌دولتان که جزو اعظم‌سیه‌داری و رعیت‌پروری است، به اغراض دنیوی و ملاحظه خاطر ارباب عزت و غیره، مسامحه و تأخیر جایز ندانسته و نمی‌داند.» البته بسیاری از افرادی

درباره شخصیت عجیب و دوگانه مقتدر ترین پادشاه صفویه

اشک دم مشک شاه عباس!

که توسط شاه عباس به مجازات می‌رسیدند، «واجب‌السیاسه» نبودند. وی در بیشتر مواقع شیوه‌ای غیرانسانی برای مجازات در نظر می‌گرفت. اسکندر بیک‌ترکمان تصریح می‌کند: «اگر به‌پدری حکم قتل پسر فرماید، همان لحظه فرمان قضا و قدر به امضار سد و اگر پدری از روی شفقت ابوت، تأخیر در قتل پسر جایز دارد، حکم برعکس آن فرماید و اگر او (پسر) نیز تعلل نماید، دیگری به قتل هر دو پرداخت.» رفتار جلادان شاه عباس، با نفس و خواسته ارباشان، مطابقی غریب داشت؛ محمود افوشته‌ای نطنزی، مؤرخ عهد صفوی، در کتاب «نفاوة الآثار فی ذکر الاخیار»، درباره رفتار «شیخ‌احمدقا»، یکی از دژخیمان شاه‌عباس که سخت‌مورد عنایت وی بود، می‌نویسد: «کار سفاکی در آن ولایت بدانجا رسانید که زنان از ترس او بچه افکندند و بعضی زنان را که این حالت واقع نشد، شکم ایشان را شکافت و بچه به در آورد و بر سر نیزه کرد و در آن دیار، دُبَّاری نگذاشت. «طبعاً این زیاده‌روی در خشونت، خواست شاه‌عباس بود، و گر نه نوکران او، بدون اجازه ارباب، آب نمی‌خوردند. قساوت قلبی که از شاه صفوی بروز پیدا می‌کرد، هر مورخی را به شگفتی وامی‌دارد؛ دستور می‌داد اسیران را بر خلاف رأی مروت و جوانمردی، پوست بکنند و مخالفانی چون «زهر مار سلطان» را به حکم‌عباس یکم، زنده زنده در آب جوشانند! نگاه‌ی به این حرکات و سکنات، از شاه عباس یکم، چهره‌ای قسی القلب، سفاک و بی‌رحم در ذهن تداعی می‌کند، اما از عجایب شخصیت او که تنه به تنه تیمور لنگ می‌زند، روی دیگر اخلاق اوست که اصلاً قابل قیاس با شخصیتی که شرح آن را دادیم، نیست.

■ **دل‌نازکی‌های دل‌انگیز!**

به رغم آن‌چه ذکر کردیم، شاه عباس گاه چنان رقت قلب پیدا می‌کرد که از دیدن بریدن سر گوسفندی، متغیر می‌شد و اشک می‌ریخت. به تعبیر نصرا... فلسفی در کتاب «زندگانی شاه عباس»، او همواره اشک در آستین داشت و در مناسبت‌های مختلف، از آثار آن خودداری

نمی‌کرد! وقتی خبر هجوم ازبکان به خراسان را شنید، سخت متغیر شد و ساعتی را به گریه گذراند و هنگامی که شنید خلیل‌یاشا، سردار عثمانی، به مناطق همجوار اردبیل تاخته و به مرقد جدش، شیخ صفی‌الدین اردبیلی جسارت ورزیده است، خود را به آن شهر رساند و روی قبر شیخ صفی انداخت و ساعت‌ها گریست. این در حالی بود که پدرش، در حبس مشغول جان‌کندن بود، اما توجهی را در سلطان مقتدر صفوی بر نمی‌انگیخت. به نظر می‌رسد که این اشک دم‌مشک، بیش از آن‌که به کار احوالات دل و رقت قلب شاه‌یابد، در امور سیاست‌مورد استفاده قرار می‌گرفت. شاید روایت آنتونیو دو گوا، کشیش کاتولیک و سفیر فیلیپ سوم، پادشاه اسپانیا، در درباره صفوی، این‌وجه از رفتار شاه عباس را بهتر تفسیر کند. وی می‌نویسد که وقتی شاه به همراه خدم و حشم خود به کاشان رسید و خیل کاشانیان را مسرور از ورود خود دید، سیلاب اشک ریخت تا جایی که برای پاک کردن آن، دست به آستین سفیر اسپانیا برد و احتمالاً، اشک و آب بینی خود را با پارچه لباس مشکی کشیش کاتولیک پاک کرد! آن‌گاه با صدایی بغض‌آلود به وی گفت: «می‌بینی که این مردم چگونه با شادی و سرور از من استقبال می‌کنند؟ من شایسته این همه مهربانی نیست‌م و هر وقت گناهان بی‌شمار خود را به یاد می‌آورم، شدت غم و اندوه، دلم را از لباس تونیز سیاه‌تر می‌کند. ای کاش مردساده درویشی بودم و بایک لقمه نان زندگی می‌کردم و پادشاه این سرزمین فراخ و این همه مردم که در کمال بی‌لباقی بر آنان حکومت می‌کنم، نمی‌بودم[!].» مقایسه این جملات، با رفتارهایی که در فراز پیشین از شاه‌عباس روایت کردیم، پارادوکسی غریب و البته، طنزگونه را به نمایش می‌گذارد که حیرت‌آور است. به نظر می‌رسد، شاه‌عباس، مردی بود که بیش از دیگران، توان غلبه بر احساساتش را داشت و می‌توانست با مهار و استفاده از آن‌ها، در زمان‌های لازم، بهترین بهره را ببرد؛ شیوه‌ای که به یقین در توفیق وی سهمی عمده‌ر ایفا می‌کرد.

بازيگران تاريخ

منوچهر اقبال؛ سیاستمدار قوام دوست!



منوچهر اقبال، روز ۲۰ مهر ۱۲۸۸ ه‍.ش در مشهد به دنیا آمد. در تحصیلات ابتدایی را در مشهد و تحصیلات متوسطه را در مدارس ثروت و دارالفنون تهران به پایان برد.

اقبال در سال ۱۳۰۵ عازم اروپا و در سال ۱۳۱۱ به عنوان متخصص امراض عفونی، از دانشگاه پزشکی پاریس دانش آموخته شد. او از جمله جوانان تحصیل کرده‌ای بود که با محمدرضا پهلوی دیدارها و مذاکرات پنهانی داشت و از همین زمان، نقش مهمی در تثبیت موقعیت شاه ایفا و روابط نزدیک‌ی با او برقرار کرد. او در شهریور ۱۳۲۳، در کابینه محمد ساعد، کنیل وزارت بهداری شد و در دولت دوم قوام (بهمن ۱۳۲۴ تا آذر ۱۳۲۶) به وزارت بهداری و وزارت پست و تلگراف رسید. او علاقه زیادی به قوام داشت. در دوران دولت دکتر مصدق، اقبال متصدی شغلی نبود و تنها در دانشگاه تدریس می‌کرد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، منوچهر اقبال به تهران بازگشت و به دستور شاه سناتور شد و در ۱۸ دی ماه ۱۳۳۳، ریاست دانشگاه تهران را به عهده گرفت. وی در ۱۲ خرداد ۱۳۳۵، وزیر دربار شد. منوچهر اقبال در ۱۵ فروردین ۱۳۳۶، پس از حسین علاء، به نخست‌وزیری رسید. دولت اقبال به سرعت به عنوان یک دولت مطیع شاه شهرت یافت. روی کار آمدن وی، در نتیجه ناراضاتی مقامات آمریکایی از دولت علاء بود. تاسیس حزب ملیون به دستور شاه و به دبیر کلی اقبال، تشکیل کنفرانس پیمان سنتوبه ریاست شاه در تهران، مذاکره با رژیم صهیونیستی برای ایجاد رابطه «دو فاکتو» و شناسایی این رژیم، حمله تبلیغاتی جمال عبدالناصر به ایران و قطع روابط سیاسی تهران و قاهره، از جمله رویدادهای دوران نخست‌وزیری منوچهر اقبال بود. منوچهر اقبال، در آبان ۱۳۴۲، به عنوان مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران منصوب شد. او در این‌پست تا آخر عمر باقی ماند و در آذر ۱۳۵۶ در گذشت.

شهرداری گلپه‌ار بر گزار می کند؛



موضوعات و محورهای فراخوان.

- آیین ها و سنت های بومی و ملی و نوروژی: فرهنگ و هنر ملی، نمادهای مرتبط با نوروز، هفت سین و یا اجزایی از آن ،بازیهای بومی و محلی ، خاطره انگیزی و...
- هویت شهری : گلپه‌ار شهر جدید- شهر آینده، گلپه‌ار شهر هزاره سوم، گلپه‌ار شهر پاک، ویژگی های شاخص تاریخی و جغرافیایی بخش گلپه‌ار
- حجم سبز : نمادهایی با موضوع طبیعت و محیط زیست،فضای سبز، نماد های حجمی با پوشش گل و گیاه،گلجای و ...

شرایط و مقررات عمومی فراخوان :

✔ **آثار ارسالی** باید در چارچوب ویژگی های مشخص شده در فراخوان، ذیل محورهای موضوعی باشد.

علائقمانند به شرکت در فراخوان لازم است حداکثر تا تاریخ ۹۸/۱۰/۳۰ نسبت به ارسال آثار خود صرفا به صورت یک پوستر با ابعاد ۷۰×۵۰ سانتیمتر ، نیز در قالب لوح فشرده با کیفیت ۳۰۰dpi فرمت jpg با رعایت شرایط ذیل، به صورت حضوری و یا از طریق پست به دبیرخانه (واحد روابط عمومی شهرداری) اقدام نمایند:

الف. ۶ عکس از زوایای مختلف ماکت یا طراحی سه بعدی(نمای رویرو- نمای پشت-نماهای جانبی- نمای دید در شب و روز) به نحوی که تمام ابعاد و زوایای اثر رنگ و بافت آن قابل مشاهده باشد.

ب. نمایش ارتفاع عرض و عمق پیشنهادی اثر حداقل در یک تصویر (برش ، پلان و نما) با فرمت JPG با وضوح حداقل ۳۰۰ DPI

✔ **آثار ارسالی** باید در چارچوب ویژگی های مشخص شده در فراخوان، ذیل محورهای موضوعی باشد.

علائقمانند به شرکت در فراخوان لازم است حداکثر تا تاریخ ۹۸/۱۰/۳۰ نسبت به ارسال آثار خود صرفا به صورت یک پوستر با ابعاد ۷۰×۵۰ سانتیمتر ، نیز در قالب لوح فشرده با کیفیت ۳۰۰dpi فرمت jpg به صورت حضوری و یا از طریق پست به دبیرخانه کمیته اقدام نمایند:

الف. ۶ عکس از زوایای مختلف ماکت یا طراحی سه بعدی (نمای رویرو- نمای پشت- نماهای جانبی- نمای دید برنده در شب و روز) به نحوی که تمام ابعاد و زوایای اثر رنگ و بافت آن قابل مشاهده باشد.

ب. نمایش ارتفاع عرض و عمق پیشنهادی اثر حداقل در یک تصویر (برش یا پلان) با فرمت JPG با وضوح ۳۰۰ DPI

ج. باید از قرار دادن هر گونه بافت، رنگ و تصویر خام در پس زمینه خودداری گردد. اما استفاده از بافت شهری و شبیه سازی مکان جالبی شده، توصیه می گردد.
✔ استفاده از آثار برگزیده برای چاپ در کتاب و سایر اقلام انتشاراتی و تبلیغاتی، بانک اطلاعاتی و برگزاری نمایشگاه با ذکر نام صاحب اثر برای برگزار کننده مجاز است.

✔ رعایت کلیه قوانین مربوط به حق تالیف و طراحی اثر بر عهده فرستنده (حقیقی یا حقوقی) آثار بوده و پاسخگویی به کلیه عواقب قانونی آن نیز از عهده شهرداری گلپه‌ار خارج است و شهرداری، شخص ارسال کننده را صاحب اثر می‌شناسد، اما در صورتی که خلاف آن ثابت شود کلیه امتیازات متعلقه باطل و اثر مربوطه از رقابت خارج می‌شود.

✔ در صورت انتخاب طرح ، طراح حق ندارد اثر را در فراخوان های دیگر شرکت دهد یا حق انتشار آن را به غیر واگذار کند و یا طرح را در جای دیگری اجرا نماید . در صورت تخلف ، برگزار کننده مجاز به تعقیب و پیگرد حقوقی موضوع می باشد.

✔ در صورت گزینش اثر در مرحله نهایی ،اولویت اجرای آن در صورت توافق با ارائه دهنده اثر خواهد بود و در اینصورت کلیه عملیات اجرایی تا نصب و نورپردازی آن که در قالب قرارداد گنجانده خواهد شد به عهده صاحب اثر می باشد .

✔ در صورت عدم توانایی اجرای اثر پذیرفته شده توسط طراح، شهرداری مجاز است نسبت به اجرای طرح های پذیرفته شده اقدام نماید.

✔ طرح هایی که خارج از قوانین فوق تهیه شوند در فراخوان شرکت داده نمی شوند.

✔ در صورت گزینش اثر در مرحله نهایی ،اولویت اجرای آن در صورت توافق با ارائه دهنده اثر خواهد بود و در اینصورت کلیه عملیات اجرایی تا نصب و نورپردازی آن که در قالب قرارداد گنجانده خواهد شد به عهده صاحب اثر می باشد .

آدرس: گلپه‌ار، بولوار استقلال، ابتدای بولوار ابن سینا، شهرداری گلپه‌ار (واحد روابط عمومی) کدپستی: ۹۳۶۱۴-۶۹۱۹۶

تلفن: ۳۸۳۳۳۳۳۲ داخلی ۱۳۷